



### طلایه:

متن زیر برگرفته از کتاب «فلسفه حج» حکیم علامه سید محمد جواد موسوی غروی است که در صفحات ۹۹ تا ۱۰۴ مندرج است. این کتاب در سال ۱۳۵۰ شمسی به طبع رسیده است. در بخشی از این مطلب علامه اینگونه می‌نویسد:

«می‌پرسم روش همین معترضان به اسلام در دنیای حاضر چگونه است؟! اینانند که از جنگهای مداوم و پی‌گیر هدفی ندارند جز سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملت‌های ستمکش و محروم، تاراج ثروت‌های آنان، گسترش بالهای شوم استعمار، ادامه طغیان و فساد، محو آثار عدل و داد، و در نهایت تقویت زور و اشاعه فسق و فجور!! و در نیل به این مقصود از هیچ ظلم و عدوانی خودداری نمی‌کنند، به روی زن و کودک و مردمی که در معرکه شرکت نکرده‌اند با مسلسل و بمب، آتش می‌کشایند، ساختمانهایی را که به قیمت جان و عمر و مال بشر تمام شده، ویران می‌سازند، آب و غذاء و سایر وسائل زندگی را قطع می‌نمایند، انبوهی از بمب افکن‌ها و خمپاره‌ها و سایر آلات قتاله را ابروار به اطراف می‌فرستند تا باران تیر و سیل آتش از آنها بر سر مسلمانها و سایر ملت‌های ضعیف سرازیر گردد، و همچون گرداب ژرف، بشر بی‌گناه را در کام خود فرو برد، و بر دفتر وجودشان خط ابطال کشد!! شگفتا که به این رفتار وحشیانه نیز مباحات و افتخار می‌کنند و منت هم بر مردم می‌نهند!!»

کلیدواژه‌ها: فلسفه حج - سید محمد جواد غروی - اسلام - جهاد - دفاع - قرآن

سکونی از صادق آل از امیرالمؤمنین علیهما السلام روایت کرده که فرمود:

سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ جَاهِدُوا اتَّعَمُّوا وَ حُجُّوا تَسْتَعْمُوا<sup>۱</sup>

سفر کنید تا تندرست شوید و جهاد کنید تا غنیمت برید و حج بجای آرید تا بی‌نیاز گردید.

جزء اول حدیث، سفر کردن را موجب حفظ صحت و تحصیل سلامت دانسته است. در این شک نیست که سفر، هم ورزش است، و هم تغییر آب و هوا، و هم فراغ از مشاغل طاقت فرسا، و هم استراحت اعصاب، و این همه، به اتفاق پزشکان، از بهترین اسباب بهداشت و تندرستی می‌باشند. جزء دومش امر به جهاد است با ذکر یکی از نتایجش که غنیمت بردن باشد. در اینجا لازم بنظر می‌رسد به طور خلاصه به این موضوع اشاره کنیم، زیرا: اعادی اسلام، مسأله غنائم را مورد انتقاد قرار داده گفته‌اند: محاربات اسلام مبنی بر اغتنام و گرفتن اموال بوده، در حالی که دین حق نباید با مال و دنیا کاری داشته باشد. فقط می‌باید مردم را به اخلاق نیک هدایت نماید.

این اعتراض را چنان شیوع داده اند که در بعضی از جوانهای ما، که از معارف اسلام بی‌اطلاعتند، اثر سوء بجا نهاده است. بحث مفصل در اطراف آن، نیاز به کتاب مستقلی دارد، اما به قدری که معنای

۱ - من لایحضره الفقیه/ وسائل، کتاب الحج، باب استجاب السفر فی الطاعات من حج الوسائل.



حدیث فوق روشن گردد، و ضمناً با موضوع حج هم بی ارتباط نباشد، که بعداً معلوم خواهد شد، به این انتقاد پاسخ می‌دهیم.

**اولاً:** این سخن مغالطه صرف است، زیرا: دین اسلام، قانون عدل جامع الاطراف است، عدل در عقائد، در اخلاق، در اقتصاد و ثروت، در دولت و حکومت، در سیاست داخلی و خارجی، در فرهنگ و صنعت، در عموم معاملات و معاشرت، و به طور کلی، در تمام شؤون بشر. بدیهی است وقتی قانون نتیجه بخش است که مواد آن اجراء، و بدون زیاده و نقصان، عملی گردد، و گرنه وجود و عدمش یکسان خواهد بود.

و نیز پیداست که هر کس بخواهد عدالت و صلاح را جاری، و ظلم و فساد را محو کند، ستمگران و مفتخوران، که انگل جامعه‌اند، نه تنها بنای مخالفت را می‌نهند و حتی الامکان از پیشرفت مصلحین جلوگیری بعمل می‌آورند، بلکه با طرح و پیشنهاد برنامه حق و عدالت، از آغاز، مخالف می‌شوند. متدرجاً کار بالا می‌گیرد و این تقابلات و کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها به رویارویی و جنگ می‌رسد! در این صورت هواخواهان عدالت و اصلاح، ناگزیر باید یکی از دو راه را اختیار کنند، یا حرف خود را پس گرفته از تصمیم‌شان منصرف، و مقهور مفسدین و دشمنان خلق گردند، یا در قبال خصم پایداری و مقاومت نموده تمام نیروهای خود را، با منتهای فداکاری، اعمال کنند تا مخاصم را شکست داده قانون عدل و آزادی را مجری سازند. واضح است که اگر گفتگو و مجاب کردن دشمن از این طریق به نتیجه نرسد، راه دوم را اختیار خواهند کرد، پس به حکم ضرورت، کار به پیکار می‌انجامد، و وقتی کار به جنگ کشید، لازم می‌شود، به تمام معنی، قوی را مجهز ساخته از انواع وسائل استفاده کنند. قرآن در این خصوص چنین دستور می‌دهد:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (انفال ۶۰)

در مقابل دشمنان هر چه بتوانید از نیروهای گوناگون آماده سازید و اسبهای (تعلیم دیده برای جنگ) را فراهم گردانید تا دشمنان خدا و خود را بترسانید.

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران ۱۳۹)

(در مبارزه و نبرد) سستی نورزید و افسرده نشوید و هرگاه اهل ایمان بوده باشید حتماً شما برترید.

بناء براین باید دست خصم را کوتاه و قوایش را تضعیف نمود، تا قدرت ادامه حرب و امکان پیروزی وی منتفی گردد، از جمله اسباب وهن و ضعف اعداء، علاوه بر کشتن مردان جنگی، سلب کردن اسلحه و افزار جنگ و ماکول و ملبوس و مرکب، و اسیر گرفتن از او است، هرگاه این برنامه عملی نگردد بدون شک، دشمن غالب گشته مسلمین و اسلام (حق و عدالت و طرفدارانش) را از بین خواهند برد.

بد گهر را علم و فن آموختن	دادن تیغ است دست راهزن
تیغ دادن در کف زنگی مست	به که آید علم، ناکس را بدست
علم و مال و منصب و جاه و قران	فته آرد در کف بد گوه‌ران
پس غزای زین فرض شد بر مؤمنان	تا ستانند از کف معجون سنان
جان او معجون تنش شمشیر او	واستان شمشیر را زین زشت خو
آنچه منصب می‌کند با جاهلان	از فضیحت کی کند سد ارسلان
عیب او مخفیست چون آلت بیافت	مارش از سوراخ بر صحرا شتافت
جمله صحرا مار و کژدم پر شود	چونکه جاهل شاه حکم مر <sup>۱</sup> شود

حکم چون در دست گمراهی فتاد      جاه پندارند و در چاهی فتاد  
احمقان سرور شدستند و ز بیم      عاقلان سرها کشیده در گلیم<sup>۲</sup>

**ثانیاً:** مقتضای قانون عدالت این است که هرگاه کسی مالی را از راه نامشروع (مثل غضب، رشوه، ربا، قمار و غیره) بدست آورد، از وی بگیرند و به صاحب واقعیش برسانند. اگر از طریق صحیح هم تحصیل مال کرده و در مصارف مضره خرج می کند (مانند شرب خمر، قمار، اسراف، اعانت ظالم و غیره) باید او را از تصرف در اموال خود ممنوع سازند<sup>۳</sup>، چه رسد به اینکه مال در چنگال دشمنان خلق و حق قرار گیرد، تا به وسیله آن ظلم را گسترش دهند، جنگها بر پا کنند، نهضتهای ملی و حق طلب را در هم بکوبند، جلو ترقی خلق را بگیرند، نفوس و اعراض و نیروها و دسترنج‌های آنان را ملعبه هوی و هوس سازند، گلستان بشریت را به آتشکده جهانسوز مبدل نمایند. پس به حکم عقل نباید اموال در اختیار مفسدین فی الارض باشد. باید مال و قدرت را از ایشان سلب نمود تا بتوان عدالت را در بین توده‌ها جاری و استوار ساخت. می‌پرسم روش همین معترضان به اسلام در دنیای حاضر چگونه است؟! اینانند که از جنگهای مداوم و پی‌گیر هدفی ندارند جز سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملت‌های ستمکش و محروم، تاراج ثروتهای آنان، گسترش بالهای شوم استعمار، ادامه طغیان و فساد، محو آثار عدل و داد، و در نهایت تقویت زور و اشاعه فسق و فجور!! و در نیل به این مقصود از هیچ ظلم و عدوانی خودداری نمی‌کنند، به روی زن و کودک و مردمی که در معرکه شرکت نکرده‌اند با مسلسل و بمب، آتش می‌گشایند، ساختمانهایی را که به قیمت جان و عمر و مال بشر تمام شده، ویران می‌سازند، آب و غذاء و سایر وسائل زندگی را قطع می‌نمایند، انبوهی از بمب افکن‌ها و خمپاره‌ها و سایر آلات قتاله را ابروار به اطراف می‌فرستند تا باران تیر و سیل آتش از آنها بر سر مسلمانها و سایر ملت‌های ضعیف سرازیر گردد، و همچون گرداب ژرف، بشری بی‌گناه را در کام خود فرو برد، و بر دفتر وجودشان خط ابطال کشد!! شگفتا که به این رفتار وحشیانه نیز مباحات و افتخار می‌کنند و منت هم بر مردم می‌نهند!!

آری تا خلقها به حقوق خود پی نبرند و از چاه جهل و ضلالت بیرون نیایند، وضع بدین منوال خواهد بود، که دشمن سفاک را در آغوش جان گیرند و عاشق جان باز را تسلیم مرگ نمایند! جام لبریز زهر را، از دست رقیب، همچون شهد و شکر بخورند، و آب حیات را از کف حیب بریزند و قدحش را نیز بشکنند!!

در اسلام هیچ یک از اینها روا نیست. به غنیمت بردن سلاح و مرکب و سایر اشیائی که در میدان نبرد به دست مجاهدین می‌افتد، به منظور تضعیف قدرت مهاجمین و تسریع در پایان دادن به جنگ، یک کار طبیعی و اجتناب ناپذیر و کاملاً عادلانه و به مورد است، با آنکه حروب اسلامی نوعاً صورت دفاعی داشته است نه تهاجمی و غرض، آزادی بشر از یوغ ظالمین، و قلع<sup>۴</sup> ریشه ستم و تخریب<sup>۵</sup> از صفحه زمین بوده است. البته در شرع اسلام، همه جنگها دفاعی است و جنگ ابتدائی به طور کامل، مورد نهی و منع قرار گرفته است.

پس آنچه که دشمنان اسلام در مذمت روش اسلام در مقابله با حریفان و دشمنان حربی خود می‌گویند، بالاترین نیرنگ آنها است که در میان مردم، به خصوص جوانهای مسلمان، بکار می‌گیرند تا

۱- جهاد

۲- مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بیان آنکه حصول علم و مال و جاه بدگهران را فضیحت اوست.

۳- ممنوع المداخله.

۴- کندن

۵- ویران ساختن



افکارشان را مسموم و احساساتشان را معدوم و عقلشان را تخدیر نمایند، مبدا با عزم راسخ و تصمیم قاطع، در مقام اجراء قوانین اسلام، که از جمله آنها جهاد در دفاع است، بپاخیزند، و تا احراز نتیجه کامل، که ریشه کن کردن استعمار و ایادی آن است، از پا نشینند.

آری اسلام دین مبارزه و جنگ دفاعی است، اما به منظور تأمین صلح. غنیمت می برد، چنانچه باشد، اما فقط در میدان کارزار، آن هم برای تضعیف نیرویی که دشمن حق و خلق است. برنامه های آزادی طلبی و عدالت پژوه اسلام «کالشمس فی راتعه النهار» روشن و مبین است. مسلمانها باید دشمنان خود و دین را به خوبی بشناسند و بدانند که مقصد آنان غارت کردن منابع و معادن و همه چیز مسلمانها است، و می خواهند، با جمعیت حواس و اطمینان کامل، بر منویات خود مسلط بوده، مخالف و منازع و مدافعی در میان نباشد. پس نباید به هیچ سخنی که از ناحیه آنها است گوش دهند، یا آنها را خیر اندیش و بی طرف تلقی نمایند، و باید، به تمام معنی، با اغراض پلیدشان مخالفت ورزند.

ناگفته نماند که افرادی از قماش این جنایتکاران، در لباس اسلام، جنگهایی ظلم آمیز و فساد انگیز برپا کرده نام آن را دفاع از حریم دین و ترویج شرع خاتم النبیین نهاده اند و مرتکب جرائم بسیار و مظالم بی شمار شده اند، و حکومت مردم بر مردم را، که پایه گزارش اسلام بوده، به حکومت جائرانه مبدل ساخته اند، مانند اکثر ملوک بنی امیه و بنی عباس. اینان از جهل مسلمین به موازین دین، سوء استفاده می کردند و سعی داشتند مردم به آزادی و دادگری و برابری اسلام واقف نگردند!! ما از این گروهها و امثال ایشان بیزاریم! و نیز آنان که به دروغ خود را حامیان دین معرفی کرده اند. اسلام نیز از آنان بیزار است! سخن ما در اطراف احکام و برنامه های حقیقی دین است، نه تبهکاری های منافقین.